

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

توسط: کلیر فان دایک- ۱۶ فیروزی ۲۰۲۲
فرستنده: بنیاد حقوق قربانیان افغانستان و یادداشت پورتال
۱۸ فیروزی ۲۰۲۲

شهادت شهود علیه متهم جنایات جنگی مقیم شهر کرکراده (هالند):

"اگر بخوایم، می گویم تا بکشند!"

در دهه هشتاد میلادی با تقرر قومندان عبدالرزاق (ع) در زندان مخوف پلچرخ وضعیت برای زندان سیاسی بشدت بدتر شد. در این مورد یک تعداد زیادی از شاهدان علیه این متهم جنایات جنگی مقیم شهر کرکراده شهادت داده اند. "اگر بخوایم، می گویم تا بکشند!"، جمله ای است که یکی از شاهدان از زبان این متهم ۷۶ ساله نقل قول می کند. این شخص متهم به غصب آزادی و رفتار مغایر کرامت انسانی با زندانیان زندان مخوف پلچرخ طی سالهای ۱۹۸۳ الی ۱۹۹۰م می باشد. به قول مقامات وزارت عدلیه هالند این شخص در سال ۲۰۰۱م وارد هالند شده و با نام جعلی عبدالرزاق (ر) در شهر کرکراده رحل اقامت افگند و توانست تابعیت هالند را حاصل نماید.

رقتبار

از قرار گزارش سازمانهای متعدد چون صلیب سرخ، عفو بین الملل، هلسنکی واچ، گزارشگر ملل متحد در امور افغانستان و شهادت شهود که شامل دوسیه قضائی متهم هستند، این محکمه وضعیت زندان پلچرخ را رقتبار توصیف می کند: سلول های مزدحم، کمبود امکانات بهداشتی، صفوف طولانی برای استفاده عاجل از تشناب ها، فقدان تخت خواب و دوشک، لحاف های از هم دریده، سلول هایی که در زمستان سرد و در تابستان گرم بودند، غذای بدمزه و آب ایستاده در کف سلول ها تا زندانیان مجبور باشند، ایستاده بمانند. موجودیت حشرات مضره، بیماری های ساری و سقف کم ارتفاع که سبب می شد تا زندانیان قامت شان را راست کرده نتوانند. داشتن قلم، کاغذ و کتاب ممنوع و امکانات صحی خیلی محدود بود، چنانچه امکان دسترسی مدام به آن وجود نداشت. هرگاه سازمان عفو بین الملل از زندان بازدید میکرد مراسم نمایشی به راه انداخته می شد.

کشیدن ناخن ها

محکمه به متهم تفهیم کرد که در این زندان بر زندانیان خشونت اعمال و بر آنها شکنجه روا داشته می شد. دادن شوک برقی، ضرب و شتم، کشیدن ناخن ها، دوختن سرانگشتان به همدیگر، ریختن آب جوش به دهان متهم و سایر انواع آزار جسمی متهمان شامل روال معمول روزانه این زندان بود. زندانیان شاهد عینی کشتار هم سلول های شان بودند. شبانه

زندانیان به بیرون از زندان منتقل و در پشت دیوار های زندان به رگبار گلوله بسته می شدند. یکتن از زندانیان اسبق چنین اظهار داشت: "حالت ما چنان بد بود که حتی حیوانات را در طویله نیز بدان حالت نگهداری نمی کنند." شهادت این شهود شامل کسانی است که مخالف رژیم کمونیستی* وقت، فعالان احزاب ممنوعه و یا جنگجویان مجاهدین بودند.

فضله حیوانی

دادستان موظف اظهارات زندانیان اسبق را که طی دهه هشتاد میلادی بدون هیچ گونه محاکمه عادلانه در زندان پلچرخ محبوس بوده اند یکایک بازگو می کند که با شنیدن آن مو بر اندام انسان راست می شود. اکثر آنها می گفتند که بعد از تقرر قومندان (ع) منحیت قومندان زندان در سال ۱۹۸۳م وضعیت زندان جداً بد شد: "استفاده از تشناب و امکانات حمام محدود شد و بعضاً تا یکبار در هر دوهفته و آنهم بدون آب گرم. غذا با یک ورق از روغن به روی آن خیلی بدمزه بود. یکبار در بین غذا یک پارچه روده با فضله در آن پیدا شده بود. به جز از کیله گندیده میوه دیگری شامل غذای روزانه نبود در حالی که بقیه مینوی غذائی شامل برنج مملو از ریگ و یا یک کاسه سوپ برای ده نفر که در بین آن فقط یکدانه کچالو یا زردک شنا می کرد بود." یکبار یک زندانی که از وضعیت بد غذائی شکایت کرده بود باید برای ششماه در اتاق انفرادی به سر می برد و بقیه زندانیان برای یکهفته از تفریح روزانه محروم ساخته شدند. امور غذائی و تفریح مربوط وظایف قومندان زندان می شد. یک زندانی دیگر که از طرف قوماندان (ع) لت و کوب می شد برایش گفته شد: "خوش باش که زنده ماندی. دیگر شکایت نشنوم!"

شخص مبدل

متهم انکار می کند از این که قومندان زندان بوده است و به گفته او مقامات عدلی هالند اشتباهاً او را به جای شخص دیگری بازداشت کرده اند. همچنان او می گوید که چیزی را به خاطر ندارد. او در روز اول محکمه به هیچ سوالی پاسخ نداده و مدام به طرف وکیل مدافعش اشاره می کرد.

یادداشت:

ما بارها بر این مطلب تأکید ورزیده ایم که حاکمیت مزدوران روس را "کمونیستی" نامیدن، بخشی از توطئه ردیالانه امپریالیسم غرب در جریان جنگ سرد، جهت به انحراف کشانیدن مبارزات آزادیخواه مردم ما و جایگزینی جنبش آزادیبخش به "انقلاب اسلامی" و به حاکمیت رسانیدن نوکران خودشان در لباس داعیان اسلام سیاسی بود که تا امروز نتایج مصیبت بار آن گریبانگیر مردم ما می باشد.

واقعیت امر این است که در زندان پلچرخ با استناد به کتب نشر شده در مورد آن زندان مخوف از جمله کتاب گرانسنگ "خاطرات زندان" اثر گرامی یاد "کبیر توخی" در پنج جلد، از تمام اقشار و طبقات جامعه و نمایندگان فکری اکثر جریانات فکری آنروز زندانی بودند که در برخی موارد زندانیان موسوم به جنبش انقلابی - کمونیستی کشور در بسیاری از بلاکها درمقایسه با سایر تشکلات در اکثریت نیز بودند.

مبارزه و تقابل خونین این عده علیه حاکمیت نوکران روس، نه تنها مخالفت با کمونیسم نبود بلکه به گفته زنده یاد "میرویس فراهی" در محکمه نمایشی که برای رهبران "ساما" تشکیل داده بودند، "به حکم کمونیسم و جهت دفاع از کمونیسم علیه اشغال افغانستان به وسیله روسها و حاکمیت دست نشانده آنها مبارزه نموده اند."

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"